



مرکز مدیریت حوزه علمیه قم

معاونت آموزش

مدیریت امتحانات

بسمه تعالی

امتحانات پایان سال - خرداد ۱۳۸۸

پاسخنامه

پایه :	۵	موضوع :	اصول ۲
تاریخ :	۸۸/۳/۲۴	ساعت :	۱۸

نام کتاب: اصول الفقه، از الباب السابع (المجمل والمبین) تا اجتماع امر و نهی

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی:

۱. واجب نسبت به واجب مشروط نامیده می‌شود. د ۲۶۹

أ. مقدمة الواجب ☐ ب. المقدمة الوجودية ☐ ج. المقدمة الشرعية ☐ د. المقدمة الوجوبية ☒

۲. کدام یک از عناوین، به ترتیب حسن ذاتی و قبح اقتضایی دارند؟ ج ۲۲۸ فنی

أ. تعظیم صدیق عادل، تحقیر صدیق عادل ☐ ب. تعظیم عادل، تحقیر عادل ☐

ج. علم، تحقیر صدیق عادل ☒ د. ضرب، تعظیم صدیق ☐

۳. مقصود از جواز البدار در عبارت «إذ كان ارتفاع الاضطراب قبل انتهاء وقت الفعل وكنا قلنا بجواز البدار» چیست؟ أ ۲۴۷

أ. جواز مبادرت به فعل اضطراری در اوّل وقت ☒ ب. جواز مبادرت به فعل اختیاری بعد از رفع اضطرار ☐

ج. جواز مبادرت به فعل اضطراری در آخر وقت آن ☐ د. جواز مبادرت به فعل اختیاری در آخر وقت آن ☐

۴. مقدمه وجودیه مقسم می‌باشد. (با قطع نظر از محلّ نزاع) ب ۲۷۰ آسان

أ. مقدمه داخلی و مقدمه عقلیه ☐ ب. مقدمه داخلی و مقدمه خارجیه ☒

ج. مقدمه خارجیه و مقدمه شرعیه ☐ د. مقدمه عقلیه و مقدمه شرعیه ☐

تشریحی:

* با توجه به عبارت «وعليه يكون المبين ما كان له ظاهر يدلّ على مقصود فائله أو فاعله على وجه الظنّ أو اليقين، فالمبّين يشمل الظاهر والنصّ معاً»

به دو سؤال زیر پاسخ دهید: ۱۹۵ متوسط

۱. مبّین در لفظ و مبّین در فعل را تعریف کنید.

مبّین در لفظ: لفظی یا کلامی که ظاهری دارد (ظهوری دارد) که بگونه ظنّ یا یقین بر مقصود گوینده آن (لفظ یا کلام) دلالت می‌کند.

مبّین در فعل: فعل و عملی که ظهوری دارد چنان که بنحو ظنّ یا یقین دلالت بر مقصود فاعل آن فعل (عمل) دارد.

ب. «على وجه الظنّ أو اليقين» اشاره به چه تقسیمی از مبّین دارد؟

اشاره دارد به این که مبّین دو قسم است: ۱. على وجه الظنّ باشد مبّین ظاهر است. ۲. على وجه اليقين باشد مبّین نصّ است.

۲. وجه تشابه و وجه تفاوت مستقلّات عقلیه و غیر مستقلّات عقلیه را بیان کنید. (برای هر کدام یک وجه) ۱۸۹ آسان

۱. وجه تشابه: دلیل عقلی. ۲. وجه تفاوت: مستقلّات عقلیه از دو مقدمه عقلیه محض تشکیل شده یعنی در صغری و کبری آن عقل مستقلّ (بدون

تکیه بر حکم شرعی) حکم می‌کند ولی غیر مستقلّات عقلیه از دو مقدمه تشکیل شده که یکی از آن دو (صغری) غیر عقلی (نقلی و شرعی)

است و دیگری (کبری) عقلی است.

* با توجه به عبارت «و هو أهم أدلتهم (الاشاعة) إذ يقولون: لو كانت قضية الحسن والقبح ما يحكم به العقل لما كان فرق بين حكمه في هذه القضية وبين حكمه بأن الكل أعظم من الجزء و لكن الفرق موجود قطعاً إذ الحكم الثاني لا يختلف فيه اثنان مع وقوع الاختلاف في الأول» که اشاره به مغالطه اشاعره (دلیل اشاعره بر علیه عدلیه) دارد: ۲۳۱ فنی

۳. نحوه استدلال آنها را بیان کنید.

آنها می گویند اگر حاکم به حسن و قبح افعال عقل باشد لازمه اش آن است که فرقی بین حکم عقل به این قضیه با حکم عقل به این که الكل أعظم من الجزء می باشد حاصل نشود یعنی همان گونه که عقل هر عاقلی بدون هیچ اختلافی (حتی بین دو نفر) حکم به قضیه الكل أعظم من الجزء می کند همان گونه عقل هر عاقلی حکم به قضیه حسن و قبح افعال بکند لکن تالی باطل است زیرا فرق موجود است و در قضیه اولی اختلاف وجود دارد زیرا بین ما اشاعره با شما عدلیه اختلاف موجود است در حالی که بین ما و شما عدلیه و نه هیچ عاقلی در قضیه دوم (الكل اعظم من الجزء) اختلافی نمی باشد پس نتیجه می گیریم مقدم هم مثل تالی باطل است یعنی حسن و قبح افعال بحکم عقل نمی باشند. (قیاس استثنائی اتصالی است)

* «إنه من المسلم عند الطرفين وجوب طاعة الأوامر والنواهي الشرعية وكذلك وجوب المعرفة وهذا الوجوب عند الأشاعرة وجوب شرعي حسب دعوهم فنقول لهم من أين يثبت هذا الوجوب؟ لابد أن يثبت بأمر من الشارع فننقل الكلام اليه ... وهكذا نمضي الى غير النهاية ولا نقف حتى ننتهي الى طاعة وجوبها عقلياً لا نتوقف على أمر الشارع». ۲۱۴ فنی

۴. مقصود از وجوب «طاعة الأوامر والنواهي الشرعية» چیست و آیا در نزد عدلیه هم این وجوب شرعی است؟ چرا؟

یعنی همه قبول دارند که اطاعت اوامر و نواهی شرعیه واجب است و نیز معرفت آن اوامر و نواهی واجب است (مقدمتاً للإطاعة) ولی ما عدلیه بر خلاف اشاعره قائل به وجوب شرعی این اطاعت و معرفت اوامر و نواهی شرعی نمی باشیم بلکه این وجوب در نزد ما به حکم عقل است زیرا اگر شرعی باشد به تسلسل محال می انجامد.

۵. عقل نظری و عقل عملی را تعریف نموده و برای نحوه ادراک هر کدام مثالی بزنید. ۲۲۲ آسان

عقل نظری: عقلی است که بتوسط آن انسان ادراک می کند امور کلی را که از نوع دانستن و شناختن است یعنی امور کلی که مما ینبغی أن يعلم می باشند مثل الكل أعظم من الجزء که ارتباطی با عمل و کردار ندارند.

عقل عملی: عقلی است که بتوسط آن انسان ادراک می کند امور کلیه ای را که از نوع مما ینبغی أن يفعل أو لا يفعل است یعنی امور کلیه ای که انجام دادنی یا انجام ندادنی می باشند مثل العدل حسن یعنی ینبغی أن يعمل والظلم قبیح یعنی ینبغی (سزاوار است) أن لا يعمل.

* «إنه من المعلوم أن الأحكام الواردة في حال الاضطرار واردة للتخفيف على المكلفين والتوسعة عليهم في تحصيل التكاليف الأصلية الأولية وليس من شأن التخفيف والتوسعة أن يكلفهم ثانياً بالقضاء أو الأداء وإن كان الناقص لا يسدّ مسدّد الكامل في تحصيل كلّ مصلحته الملزمة». ۲۲۷ متوسط

۶. با توجه به عبارت، استدلال مذکور برای اثبات چه موضوعی است؟ نحوه اثبات را توضیح دهید.

این استدلال برای اثبات اجزاء مأمور به، به امر اضطراری است اداء و قضاء و نحوه اثبات اجزاء در این مقام این گونه است که فلسفه و حکمت ورود احکام و اوامر اضطراری تخفیف و توسعه و تسهیل بر مکلفین است در تحصیل و رسیدن به مصالح موجود در احکام واقعی اولیه است که فعلاً در حال اضطرار متعذر شده تحصیل آنها، حال اگر بنا باشد پس از رفع اضطرار و عذر مجدداً شارع مقدس ما را به اعاده (اداء یا قضاء) فعل امر فرماید نقض غرض می شود و با حکمت ورود احکام اضطراری منافات داشته چرا که موجب مشقت و زحمت مکلفین می شود (خصوصاً قضاء اگر چندین ماه یا سال بصور اضطراری خوانده باشد که قضا آن اعمال بسیار طاقت فرسا است) لذا قطعاً و جزماً اعاده لازم نیست اگرچه این عمل اضطراری ناقص بوده و نتواند جبران عمل اختیاری کامل را بکند از جهت بدست آوردن مصلحت موجود در آن عمل کامل را.

۷. خصوصیات وجوب غیری را بیان کنید. ۲۶۷ متوسط

۱. واجب غیری اطاعت مستقلاً ندارد. ۲. واجب غیری، ثواب مستقلاً از ذی المقدمه ندارد. ۳. وجوب غیری همیشه توصّلی است و عبادی نمی باشد. ۴. وجوب غیری در اطلاق و تقيید و قوه و فعل تابع وجوب ذی المقدمه است.

۸. مقدمه مفوته و مقدمه عبادی را با ذکر یک مثال برای هر کدام تعریف کنید. ۲۸۴-۲۷۷ متوسط

هنگام مواجهه با احادیث دینی در مورد واجبات موقته با مواردی برخورد می کنیم که در آنها مقدمه واجب پیش از زمان واجب شدن ذی المقدمه واجب شده مثل وجوب غسل جنابت مقدمتاً للصوم قبل الفجر و به همین علت که ترک این نوع مقدمه موجب تفویت واجب (ذی المقدمه) در وقت خودش می گردد به مقدمه مفوته نامگذاری شده است.

مقدمه عبادیه مقدمه ای است که مقدمه واقع نمی شود مگر این که به وجه عبادی انجام گیرد و بقصد قربت اتیان شود لذا اگر آنها را به وجه غیر عبادی انجام دهیم (بقصد لذت و نظافت نه بقصد قربت) مقدمه واقع نمی شود (محسوب نمی گردد) و همچنین ترتب ثواب بر آنها شده و بدون ثواب ذی المقدمه خود علی حده دارای ثوابند.

* «إذا كان الأمر بذی المقدمه داعياً للمكلف الى الإتيان بالمأمور به فإنّ دعوته هذه - لا محالة بحكم العقل - تحمله وتدعوه الى الإتيان بكلّ ما يتوقف عليه المأمور به تحصيلاً له، ولذلك يستحيل في هذا الفرض جعل الداعي الثاني من المولى لأنّه يكون من باب تحصيل الحاصل». ۲۹۳ فنی

۹. چرا امر مولى به مقدمه محال است؟

زیرا امر مولى در مورد مقدمه به خاطر تحریک مکلف به سوى ذی المقدمه (فعل مأمور به) است و با وجود حکم عقل به نحو استقلال به تحریک و دعوت مکلف به سوى ذی المقدمه، احتیاجی به امر مولى در مورد مقدمه نداریم؛ بلکه مجالی برای امر مولى نیست و محال است صدور آن از مولای حکیم؛ زیرا عبث و لغو است بلکه تحصيل حاصل است و هو محال.